

داستایفسکی و جهان طرشدگان

# تراژدی مردم فقیر

تحقیرهای دردناکی را تحمل می‌کند. در سوی دیگر، دختر نیز در فقر غوطه‌ور است و برای پول به وسوسه مردی ثروتمند اما بی‌احساس می‌پردازد. دخترک مدتی مرد را بازی می‌دهد تا سرانجام مرد پیشنهاد ازدواج می‌دهد و دختر قبول می‌کند و دووشکین زیر فشار این مسئله له می‌شود.

داستایفسکی در «مردم فقیر» فضای سن‌پترزبورگ را هم به‌گونه‌ای درخشان به تصویر کشیده است. او در این داستان صدایی هرچند لرزان برای کارمندان پترزبورگی به وجود آورده و این صدا در داستان بعدی‌اش به‌وضوح رساتر می‌شود. قهرمان «مردم فقیر»، کارمندی نسخه‌بردار در اداره‌های معمولی و دولتی است که در زدوبندهای همکارانش شرکت نمی‌کند و درنهایت بازیچه و قربانی دست آنها می‌شود. او خود را همچون موشی می‌پندارد که اسیر اراده دیگران است. این اثر که در بحبوحه تنگدستی خود داستایفسکی نوشته شد، ردی از دوران‌ش را بر خود دارد. زن و مرد داستان خوبشاوندانی دور هستند و احوالات زندگی خود را از طریق نامه‌هایی که ردوبدل می‌کنند، برای هم تعریف می‌کنند. دووشکین که خود فقیر است، برای دختر هدیه می‌فرستد و هرچه بیشتر در فقر فرومی‌رود. دختر نیز در نامه‌هایش از گذشته تلخ خود می‌گوید؛ از مرگ پدر، مادر بیمار و عشق نافرجامش به معلمی که در جوانی مرد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «مردم فقیر» نوع شخصیت‌پردازی آدم‌های داستان و به‌خصوص ماکار دووشکین است. بیش از داستایفسکی، کارمند فقیر در ادبیات روسیه معمولاً شخصیتی کمیک و مضحک بود اما داستایفسکی با استفاده از قالب نامه‌نگاری، به این شخصیت اجازه داد تا از زبان خودش حرف بزند. به این ترتیب، دووشکین به قهرمان یک رمان تراژیک-کمیک تبدیل شد.

«مردم فقیر» اگرچه شرحی از زندگی طبقات محروم است، اما داستایفسکی به دنبال چیزی فراتر از نشان‌دادن فقر مادی بود. او در پی نشان‌دادن این است که تراژدی قهرمانان فقط در



**پیام حیدرزوینی**

داستایفسکی با همان اولین داستانش یعنی «مردم فقیر» به شهرت رسید و این اثر اگرچه امروز جزء شاهکارهای او به شمار نمی‌رود اما داستانی است که نه فقط در میان آثار خود داستایفسکی بلکه در ادبیات روسی جایگاهی تاریخی و بااهمیت دارد. داستایفسکی در این داستان به گفت‌وگو با سنت ادبی پرداخته و این رمان را می‌توان نوعی مانیفست هنری از سوی نویسنده‌ای جوان دانست که با استفاده از قالب کهنه نامه‌نگاری و تقلید و الگوبرداری از نویسندگان بزرگی مانند پوشکین و گوگول، در عین حال با آنها به گفت‌وگو و حتی جدل می‌پردازد تا هویت مستقل هنری خود را تثبیت کند.

«مردم فقیر» با «بیچارگان» در ۱۸۴۶ منتشر شد و به قول پل استراترن کاری عجیب با بی‌قاعدگی‌های زیاد است. نخست آنکه رمانی است نامه‌نگارانه که در آن زمان نیز فرمی قدیمی به شمار می‌رفت و منسوخ شده بود. همچنین مضمون داستان نیز بحث‌برانگیز بود. یک میزبانپوس فقیر اما محترم چهل‌وهفت‌ساله به نام ماکار دووشکین که خانه‌اش گوشه یک آشپزخانه کثیف است، نامه‌هایی با دختری هفده‌ساله ردوبدل می‌کند و این دختری است که از بسیاری جهات پخته‌تر از ماکار است. این مضمون یادآور «شنل» گوگول است که آن نیز داستانی درباره یک میزبانپوس است اما در داستان داستایفسکی درک روان‌شناختی آشکارا دیده می‌شود. برخلاف قهرمان داستان گوگول، دووشکین عمقا خودآگاه است و

شرق؛ ادبیات روسیه از غنی‌ترین ادبیات جهانی است و سنتی پربار در نظم و نثر دارد. از دوران کلاسیک تا دهه‌های ابتدایی قرن بیستم و سال‌های پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، چهره‌های شاخصی در ادبیات روسیه بالیدند و بخشی از میراث فرهنگی جهان را خلق کردند.

در دهه‌های اخیر اما ادبیات روسی مثل بسیاری دیگر از کشورهای جهان چهره‌های برجسته‌اش را از دست داده با این حال همچنان آثاری به روسی منتشر می‌شوند که هم از لحاظ ادبی و هم از



غیرقابل ردیابی سرگنی سرگیویچ لیدف ترجمه سعید مقدم نشر مرکز

**آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان نورآباد-سری (۴۰۴) جمعی**
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نورآباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵/۰۳/۲۳) نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۴/۰۷)

۱- تقاضای «نوربخش رحمیان علی آبادی» فرزند «صرفبگ» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب عمارت مسکونی» بمساحت «۱۶۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۵» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شامحمد کرمی»

۲- تقاضای «هوشنگ دارابی نصرتی» فرزند «خداکرم» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب عمارت مسکونی» بمساحت «۱۸۵،۳۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۳» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کلیه مالکین پلاک ۱۵۳ اصلی»

۳- تقاضای «محمدرضا دارابی نصرتی» فرزند «خداکرم» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب عمارت مسکونی» بمساحت «۱۸۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۳» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه « کلیه مالکین پلاک ۱۵۳ اصلی»

۴- تقاضای «احمد امیدی» فرزند «محمدصادق» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب عمارت مسکونی» بمساحت «۲۰۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۵» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خدامراد نوری»

۵- تقاضای «عطا ارزانی پور» فرزند «خاص مراد» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب عمارت مسکونی» بمساحت «۲۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۴» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کلیه مالکین عرفی»

۶- تقاضای «راهین صفریان» فرزند «مهرعلی» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب مغازه (دکان)» بمساحت «۲۵،۰۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۵» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسن زمانی»

۷- تقاضای «میلاد شهباز بیگی» فرزند «خانمراد» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک باب مغازه» بمساحت «۱۲۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۱۵۵» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسن زمانی»

۸- تقاضای «لطیف ستاری گلباغی» فرزند «عزیزکرم» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۲۵،۷۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۵۳» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «لطیف ستاری گلباغی»

۹- تقاضای «لطیف ستاری گلباغی» فرزند «عزیزکرم» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۵۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۵۳» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «لطیف ستاری گلباغی»

۱۰- تقاضای «لطیف ستاری گلباغی» فرزند «عزیزکرم» نسبت به «نسبت به شش دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۳۰۲،۵۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۵۲» اصلی واقع در بخش «۱۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «لطیف ستاری گلباغی»

شماره نامه : ۱۴۰۵/۴۳۵۶/۱۴/۱۴

تاریخ : ۱۴۰۵/۳/۱۸

شناسه : ۲۲۰۳۷۹۸

## روسیه وبارگران تاریخ

مسائل سال‌های اخیر این کشور پیوند خورده است. افزون بر این، لیدف در روایتش تلاش کرده نشان دهد که گذشته چگونه بر وقایع امروز تأثیر می‌گذارد و به این اعتبار این داستان اگرچه با ریشه‌های تاریخی پیوند دارد اما درباره گذشته نیست و دقیقاً به مسائل امروزی مرتبط است. او در این رمان بر مسائلی دست گذاشته و چیزهایی را دیده که پس از فروپاشی شوروی کمتر مورد توجه بوده‌اند و انکار دیگران نمی‌خواستند آنها را ببینند. در ماجراهای این داستان، در یک روز زیبای تابستانی، مردی سالخورده، مهاجری روس، در محوطه بیرونی رستورانی پر از میهمان در شهری کوچک در اروپای غربی می‌میرد، ویرین، میهمان همیشگی، یا طبق نام ثبت‌شده در گذرنامه، آقای میخالسکی، عادت دارد همیشه طوری وسط میهمانان دیگر رستوران، با صدای کارد و چنگال‌هاشان بنشیند که کسی متوجهش نشود. اما در این روز خاص، داخل رستوران تقریباً پر بود و تنها جای

فقیر یا به تعبیری آدم‌های حاشیه‌ای است. این مضمونی است که داستایفسکی، همان‌طورکه اشاره شد، نخستین‌بار در رمان اولش یعنی «مردم فقیر» مطرح کرد و در «همزاد» به شکل واضح‌تری به آن پرداخت. شخصیت اصلی «همزاد» یک کارمند معمولی با نام گالیادکین است که یک روز صبح از خواب بیدار می‌شود و با کالسکه و فراکی اجاره‌ای می‌خواهد از حاشیه به متن یعنی به «بلوار نیوسکی» برود؛ به مراسمی که در آن دعوت نشده است. حضور گالیادکین با این شکل و شمایل در نیوسکی، چنان فشاری بر او تحمیل می‌کند که تحملش برای او ممکن نیست. اگرچه همه آدم‌های ثروتمند با کالسکه در این خیابان تردد می‌کنند اما حضور یک کارمند میان‌مایه در حکم تخطی از قانون حاکم بر عرصه عمومی است. گالیادکین در ابتدا از حضورش در خیابان لذت می‌برد اما خیلی زود به بدترین شکلی می‌فهمد که او فاقد اعتبار لازم برای حضور و اشغال عرصه عمومی است. او وقتی دو کارمند هم‌رتبه‌اش را در خیابان می‌بیند، به تارک‌ترین گوشه کالسکه می‌خزد تا دیده نشود. بعد از این اتفاق، رئیس اداره سوار بر کالسکه‌اش از کنار کالسکه اجاره‌ای گالیادکین عبور می‌کند و دیگر هیچ فرصتی برای پنهان شدن وجود ندارد. در پی مواجهه کارمند و رئیس، گالیادکین از اساس وجودش را انکار می‌کند و خودش را به هر دری می‌زند تا اثبات کند که این من نیستم. او درست در نقطه

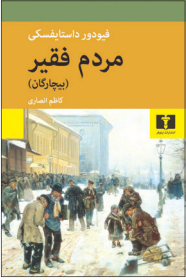
کانونی ماجرا، میلش به برابری با رئیس را انکار می‌کند و بعد از این تمام آرزوها و امیالش از او جدا می‌شوند و در کسی دیگر، همزاد او، محقق می‌شوند. گالیادکین شخصیتی دوباره دارد که در موقعیت بحرانی شعورش را به‌طورکامل از دست می‌دهد. او زاده پترزبورگ و نظام حاکم بر آن است. او در پی منزلت انسانی و حضور در فضای عمومی شهر است اما نظم مسلط قوی‌تر از میل و اراده اوست. تخطی گالیادکین از نظم مسلط چنان موقعیت او را بحرانی می‌کند که ابتدا به شک و تردید و دست آخر به جنون کشیده می‌شود.

گالیادکین رمان «همزاد» از نخستین چهره‌های درکشیده جهان جدید است، آدمی که به شکلی عذاب‌آور سرکوب می‌شود و بعد از آن، هرچه را در سر داشته، به بیرون از خود پس می‌زند و آدم دیگری درست همزاد خود می‌آفریند. داستایفسکی در این دومین رمانش، روایتی از زندگی یک کارمند دون‌پایه به دست می‌دهد که می‌خواهد از موقعیت حقیری که در آن قرار دارد فرار کند. او در این رمان در پی صدایخسین به آدم‌های

خالی بیرون آن در انتهای تراس، در کنار درختی پر از شاخه و برگ بود. نیشی ناگهانی، کوبی زنبوری او را گزیده است، ویرین را وادار می‌کند یا گف دست به‌طور غیرارادی به گردن خود بزند. وقتی برمی‌گردد، سردی را می‌بیند که سوار اتومبیلی بلا پاک خارجی می‌شود. خیلی زود مجبور می‌شود بپذیرد که در دامی افتاده است که از آن می‌ترسید: دستان دراز دستگاه اطلاعاتی روسیه سرانجام پس از تقریباً سی سال به‌خائن تبعیدی رسیده است.

رمان «غیرقابل ردیابی» بسیار فراتر از یک داستان هیجان‌انگیز سیاسی ساده است. لیدف در این رمان به کاوش در وجوه تاریک تاریخ روسیه و مسئولیت‌های اخلاقی دانشمندان می‌پردازد. داستان درباره پروفوسور کالیتین، شیمی‌دان ۷۰ساله‌ای است که در یک شهر مخفی در جزیره‌ای دورافتاده در شرق دور روسیه، سم عصبی کشنده‌ای ساخته است که هیچ پادزهری ندارد و کاملاً غیرقابل

## شرق



**مردم فقیر**
**فیودور داستایفسکی**
**ترجمه کاظم انصاری**
**نشر نیلوفر**

ردیابی است. پس از فروپاشی شوروی، کالیتین به آلمان شرقی سابق فرار می‌کند و هویتی جدید می‌گیرد. اما وقتی یک روسی فراری دیگر با همان سم به قتل می‌رسد، مأموران آلمانی او را در تحقیقات خود درگیر می‌کنند و مأموران ویژه روسیه به نگران فاش‌شدن ماجرا هستند. مأمور می‌شوند تا او را با همان سم خودش به قتل برسانند. در طول مسیر، سرنوشت کالیتین با شخصیت‌های دیگری، از جمله یک کشیش سازش‌کار و یک کهنه‌سرباز جنگ‌زده که برای انجام این مأموریت فرستاده می‌شود، گره می‌خورد. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «روزی کالیتین به‌طور اتفاقی روزنامه‌ای را که کسی در قطار شهری جا گذاشته بود ورق می‌زد، چشمش افتاد به مقاله‌ای مفصل درباره جنگ چچن در قفقاز. با نوعی کنجکاوئ کینه‌توزانه شروع کرد به خواندن آن: این احمق‌ها، خانان و مرتدان چه بلایی سر این مملکت آورده‌اند؟ کالیتین در همه دهه‌هایی که خود را در آزمایشگاهش محصور کرده بود، هرگز به جغرافیای کشورش اهمیت نداده بود. به این خاطر، فقط به‌طور تقریبی می‌توانست حدس بزند که شهرها و دهکده‌های نام‌بردم در مقاله در واقع کجا قرار دارند».

**آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان چگنی –سری ( ۹۴) جمعی**
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵/۰۴/۰۷) نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۴/۲۲)

نام روزنامه : شرق

۱ – تقاضای «بهرزاد نادری» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۳۳۲،۱۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۸» فرعی از «۲۱» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مهدی نادری»

۲- تقاضای «بهرزاد نادری» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۱۳۶،۸۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۹» فرعی از «۵۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «داربلوط طولابی»

۳- تقاضای «جمشید کرمی ثابت» فرزند «علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۴۷۳،۷۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۶» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « عبدالعلی ویسکرمی»

۴ – تقاضای «سمیرا بهرامی» فرزند «مصدق» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۴۳۳،۳۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۰» فرعی از «۳۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۵ – تقاضای «سمیرا بهرامی» فرزند «مصدق» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۶۰۳،۹۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۰» فرعی از «۳۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۶- تقاضای «احد طولابی» فرزند «نظربیگ» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۸۱۹۲،۱۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۳» فرعی از «۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کاکاجان رحیمی»

۷ – تقاضای «سید ولی الهه وطیب وطاهروخلیل حیات الغیب» فرزند «سید سهراب» نسبت به «۵/۱ دانگ مشاع از یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۶۹۰،۳۶۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۲۴» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سید محمد حیات الغیبی»

۸ – تقاضای «سنوچهر بهرامی چگنی» فرزند «یحیی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۲۰۷،۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۵» فرعی از «۲۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خانم ملوک بهرامی»

۹ – تقاضای «فضل اله رک ک» فرزند «رضا کرم» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۲۶۰،۸۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۵» فرعی از «۲۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا کرم رک رک»

۱۰- تقاضای «تجم الدین احمدی نرگسه» فرزند «محمد حسن» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۸۱۱،۸۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۵» فرعی از «۲۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی احمدی نرگسه»

شناسه : ۲۲۱۲۸۲۷

**حسین خزایی –سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نورآباد ۱۸۵۵**